

# تأملاتی در کودک‌آزاری با رویکردی بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱<sup>۱</sup>

حمیدرضا صالحی<sup>۲</sup>

مأنده اسماعیل‌پور<sup>۳</sup>

## چکیده

این مقاله تأملی دارد بر تبیین کودک‌آزاری و راه‌های مبارزه با آن توسط قانونگذار ایران، به‌ویژه بر اساس قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب ۱۳۸۱). مفهوم کودک‌آزاری رابطه تنگاتنگی با عادات و فرهنگ جوامع دارد. در تبیین دوره کودکی و زمان آغاز بزرگسالی و نیز در شناخت وجوه تمایز کودک‌آزاری از اعمال شیوه‌های تربیتی، مانند تنبیه، لازم است قانون‌گذار در ارتباط تنگاتنگ با نظر عرف حرکت کند. گرچه تنبیه یکی از حقوقی است که در زمینه تربیت اطفال برای والدین مقرر شده است، این به معنای توجیه و یکی پنداشتن آن با کودک‌آزاری نیست. عدم پیش‌بینی ضمانت اجرایی مناسب برای کودک‌آزاری در ماده ۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، ایرادات اساسی به مجازات‌های مقرر شده در ماده ۴ این قانون، عدم تطابق حکم ماده ۸ این قانون با روال قانونگذار در سایر قوانین جزایی و ابهام قانونی مربوط به مفهوم «حدود متعارف تنبیه و تأدیب» از جمله ایرادات قانون حمایت از کودکان و نوجوانان است. الحاق عبارت «هر گونه آزار جسمی یا روحی طفل» به موارد سلب حضانت از والدین در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، پیش‌بینی ضمانت اجرا برای ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی و ایجاد دفتر حمایت از کودکان در مراجع قضایی و حمایت از اطفال بزه‌دیده در مرحله بعد از وقوع جرم از جمله پیشنهادات این پژوهش‌اند.

## واژگان کلیدی

کودک‌آزاری، حقوق اطفال، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، کودک بزه‌دیده، حقوق کودک

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۳۰؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۸/۱۷

۲- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسؤول)

salehi\_hamid1202@yahoo.com

۳- کارشناسی حقوق دانشگاه پیام نور مرکز کاشان

## مقدمه

امروزه حقوق کودک مورد توجه اکثر سازمان‌های جهانی و مجامع علمی دنیا است. در ایران هم قوانین مدونی درباره حقوق کودک وجود دارد، ولی این قوانین آنچنان که بایسته است، مورد توجه قرار نگرفته‌اند یا فاقد ضمانت‌اجرایی مناسب‌اند. بررسی اشکالات می‌تواند راهی برای انجام اصلاحات لازم جهت حذف یا تقلیل مشکلات باشد. از جمله قوانین مرتبط با حقوق کودک می‌توان به قوانین مرتبط با کودک آزاری اشاره کرد. کودک‌آزاری نه تنها آثار منفی جسمی و عاطفی برای کودک دارد، آثار بلند مدتی نیز در اجتماع می‌گذارد. چنین اطفالی در آینده نخواهند توانست افراد مفیدی برای خود، خانواده و جامعه باشند.

با وجود آن‌که دین اسلام برای کودک از همان ابتدای تکوین نطفه، حقوقی را قائل بوده است، اما در مقابل، تا قرن بیستم نه در سطح داخلی کشورها و نه در سطح بین‌المللی، هیچ قانون مدونی برای حمایت از کودکان وجود نداشت.<sup>۱</sup> اولین اقدام قانونی برای حمایت از حقوق کودک در سال ۱۹۲۴م توسط جامعه ملل از طریق تصویب اعلامیه پنج ماده‌ای حقوق کودک که توسط یک سازمان غیردولتی بین‌المللی تهیه شده بود، صورت پذیرفت.<sup>۲</sup> پس از آن در اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ مورد تصویب قرار گرفت، به شکل محدودی به حقوق کودکان اشاره شد.<sup>۳</sup> به دلیل وضعیت خاص کودکان و تضییع حقوق آن‌ها، مسائل کودکان به طور بارز و مشخصی از ابتدای تأسیس سازمان ملل متحد مورد توجه قرار گرفت. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اجلاس مورخ ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹م طی قطعنامه‌ای به اتفاق آرا، پیش‌نویس تهیه‌شده توسط کمیسیون حقوق بشر (زیرمجموعه شورای اقتصادی و اجتماعی) را تحت عنوان اعلامیه جهانی حقوق

۱- مراحل رشد و نضج حقوق کودکان در عرصه بین‌المللی را می‌توان به شرح ذیل خلاصه نمود:

Children's rights milestones: 1924 - Geneva Declaration of the Rights of the Child, adopted by the League of Nations, 1948 - Universal Declaration of Human Rights, adopted by the UN, 1959 - Declaration of the Rights of the Child, adopted by the UN, 1979 - International Year of the Child, 1989 - Convention on the Rights of the Child, adopted by the UN, 1990 - World Summit for Children held at the UN.

2- Geneva Declaration of the Rights of the Child, adopted by the League of Nations, 1924.

3- Universal Declaration of Human Rights, adopted by the UN, 1948.

کودک مورد تصویب قرار داد<sup>۱</sup>. با وجود آن‌که این اعلامیه نتوانست به طور کامل تمام جنبه‌های حقوق کودک را در عرصه بین‌المللی در برگیرد، لکن بالاترین تأثیر به سزایی داشته است. ایران جزء دولت‌هایی بوده که کنوانسیون را در سال ۱۳۷۲ امضا و تصویب کرده است<sup>۲</sup>. مجلس در هنگام تصویب این کنوانسیون، طی ماده‌واحدی اعلام داشت که آن‌را در صورت تعارض با قوانین داخلی یا اسلامی، لازم‌الرعایه نمی‌داند و با همین قید، آن را تصویب کرد (Nafai, 2008, P.1-2).

شورای نگهبان در نظریه شماره ۵۷۶ مورخ ۷۲/۱۱/۴ موارد مخالفت کنوانسیون با موازین شرع را مشروحاً اعلام داشت، اما در نهایت، همان تحفظ کلی را پذیرفت و مصوبه مجلس را تأیید کرد (Arya and Boms, 2013, P.1-3).

برای اعمال قوانین مربوط به حقوق کودک، به‌ویژه قوانین خاص کودک‌آزاری، باید آغاز و پایان کودکی مشخص گردد. درباره آغاز کودکی میان نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف اختلاف نظر وجود دارد (امامی، ۱۳۵۲، ص ۲۴۳).

اعلامیه حقوق کودک در ماده ۲۱ که در مقام تعریف کودک است، اشاره‌ای به آغاز دوره کودکی ندارد، اما موارد حمایتی موجود در این کنوانسیون پس از تولد به کار می‌روند<sup>۳</sup>. در قوانین اسلام، نطفه حتی پیش از دمیده شدن روح حرمت دارد و احکام جزایی و مدنی خاصی برای جنین در نظر گرفته شده که در کتب فقهی آمده و برخی از آن‌ها عیناً در قوانین موضوعه ایران انعکاس یافته است (زرگوش‌نسب، ۱۳۸۹، ص ۱۲۹-۱۵۲). مطابق مقررات مدنی، حمل از زمان انعقاد نطفه عیناً مثل کودکی متولد شده، از حقوق مدنی متمتع است، مشروط بر آن‌که زنده متولد شود، ولو بعد از تولد هم فوراً فوت نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۵۳۸-۵۳۹). پیمان‌نامه حقوق کودک، پایان کودکی را سن ۱۸ سالگی

1- Declaration of the Rights of the Child, adopted by the UN, 1959.

۲- جهت مشاهده لیست کشورهایایی که به این کنوانسیون پیوسته‌اند به آدرس ذیل مراجعه نمایید:

<http://www.ohchr.org/english/countries/ratification/11.htm>

3- Article 1: "For the purposes of the present Convention, a child means every human being below the age of 18 years unless under the law applicable to the child, majority is attained earlier".

4- Convention on the Rights of the Child

دانسته است، مگر آن‌که بر طبق قوانین مربوط به کودک، سن بلوغ کمتر دانسته شود  
(*Art.1, Convention on the Rights of the Child*).

از دیدگاه فقه امامیه، اغلب فقها بلوغ شرعی را ملاک قرار داده‌اند (جبعی عاملی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۳۲؛ شهید اول، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۸۵؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۱، ص ۱۷-۱۷). مطابق تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، سن بلوغ در پسران، ۱۵ سال تمام قمری و در دختران نه سال تمام قمری است. همچنین باید توجه داشت که رسیدن به سن بلوغ جنسی، فرد را از تمام حمایت‌های خاص کودکان خارج نمی‌کند و حمایت از او تا زمان رشید شدن ادامه دارد (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۲۳۹-۲۴۰). هر چند مقنن خواسته یا ناخواسته در برخی مواقع، سن مذکور در ماده ۱۲۱۰ را تا حدودی بالا برده است.<sup>۱</sup>

قانونگذار ایران، در قوانین کیفری تعریفی از کودک‌آزاری ارائه نداده است و هیچ وقت درصد احصای کامل جرایمی که ممکن است نسبت به اطفال واقع شوند نیز بر نیامده است. تا آن‌که «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان» به تصویب رسید (مهر، ۱۳۸۵، ص ۶۰-۶۲). این قانون از آن جهت که برای اولین بار اصطلاح «کودک‌آزاری» را وارد ادبیات حقوقی ایران کرد و به تعریف و ذکر مصادیق کودک‌آزاری اقدام نمود، حایز اهمیت است. قانون فوق در قالب ۹ ماده به تأیید شورای نگهبان رسید<sup>۲</sup> (فهرستی و نظری خاکشور، ۱۳۸۷، ص ۱۱۳).

---

۱- سؤال: مطابق ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و همچنین ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب (۱۳۹۲)، صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان در رسیدگی به جرائم اشخاص تا ۱۸ سال تمام شمسی بیان شده است. حال سؤال این است که: اولاً منظور از ۱۸ سال تمام چه می‌باشد؟ آیا منظور ۱۷ سال و ۱۲ ماه می‌باشد یا اینکه شخصی که ۱۸ سال و ۱۲ ماه نیز دارد مشمول رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان می‌شود. ثانیاً اگر پاسخ، شق اول سؤال می‌باشد آیا خود سن ۱۸ سال یعنی فردی که در روز تولدش در سن ۱۸ سالگی مرتکب جرم می‌شود نیز رسیدگی به جرمش در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان می‌باشد؟

نظریه مشورتی: ۱- منظور از ۱۸ سال تمام کسی است که ۱۲ ماه از ورود سنش به ۱۸ سالگی گذشته باشد و لذا کسی که ۱۲ ماه از ورود سنش به ۱۷ سالگی گذشته را نمی‌توان ۱۸ سال تمام دانست. ۲- با توجه به این‌که عرفاً سال‌روز تولد فرد روز ورود وی به سن جدید است، لذا فردی که در سال‌روز تولدش دستگیر می‌شود را نمی‌توان ۱۸ سال تمام دانست. نظریه مشورتی ۱۳۹۲/۶/۲ به شماره ۷/۹۲/۱۰۲۲-۷/۱۲-۱۸۶/۱-۹۲.

۲- ماده ۹: «از تاریخ تصویب این قانون، کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن ملغی‌الاثراً می‌گردد. قانون فوق مشتمل بر نه ماده در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ بیست و پنجم آذر ماه ۱۳۸۱ توسط مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۱ به تصویب شورای نگهبان رسید».

کودک‌آزاری از دو واژه کودک و آزار به اضافه «ی» مصدرساز تشکیل شده است. در لغت، هر نوع فعل یا ترک‌فعل عمدی آسیب‌رسان به کودک، عنوان کودک‌آزاری به خود می‌گیرد. این واژه در معنای وسیع خود، تجاوز به حقوق قانونی کودک است (محمدی‌آرانی، ۱۳۸۴، ص ۷۳). طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی، کودک‌آزاری عبارت است از: «آسیب یا تهدید سلامت جسم و روان و یا سعادت و رفاه و بهزیستی کودک، به دست والدین یا افرادی که نسبت به او مسؤول هستند»<sup>۱</sup> (آقابیکولی و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۴).

باید در نظر داشت که کودک‌آزاری امری نسبی است و با توجه به فرهنگ و باورهای هر منطقه، تلقی متفاوتی از آن می‌شود (Korbin, 1983, P.174). چه بسا، رفتاری در یک جامعه، مصداق کودک‌آزاری و جرم محسوب شود، ولی در جامعه‌ای دیگر، یک امر عادی محسوب شود (Gil, 1975, P.346; Giovannoni and Rosina, 1979, P.49-51).

به‌عنوان مثال در تانزانیا وقتی پسری به سن بلوغ برسد، برای تطهیر روحش، رگ دستش را می‌زنند تا مقدار زیادی خون بیاید، در حالی‌که این امر در حقوق ما نوعی جرم و کودک‌آزاری محسوب می‌شود (کاهانی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۱). تعریف از تنبیه نیز تأثیر مستقیم در محدوده کودک‌آزاری می‌گذارد. مثلاً در آمریکا تنبیه کردن کودک اگر با هدف کنترل یا اصلاح رفتار او باشد، از عنوان مجرمانه ایراد ضرب و جرح مستثنا شده است. مشروط بر این‌که موجب مجروح شدن طفل نگردد (Detlev Frehsee, 2007, P.92). خشونت و آزار و به‌طور کلی بکارگیری روش‌هایی که متضمن ضرر جسمی، مالی یا روحی و روانی باشد، از نظر اسلام مردود و تنها در مواردی به‌عنوان مجازات برای مجرمان تجویز شده است.

خداوند به بشر، شخصیت و کرامت ذاتی بخشیده است و در همه زمینه‌های فردی و اجتماعی، انسان‌ها را به رعایت عدالت دعوت می‌کند: «ان الله یأمر بالعدل و الاحسان» (نحل، ۹۰). از دیدگاه قرآن، آزار رسانیدن به دیگران، محکوم است. در احادیث فراوانی،

1- According to World Health Organization (WHO) the term child abuse is any behavior directed toward a child by a parent, guardian, care giver, other family member or other adult, that endangers or impairs a child's physical or emotional health and development.

شکنجه و آزار رسانیدن به مردم نهی شده و وعده عذاب خداوند به مرتکبین آن داده شده است<sup>۱</sup> (طاهری و قنبری کرمانشاهی، ۱۳۸۹، ص ۶۶-۵۲).

در این مقاله پس از بررسی اقسام کودک‌آزاری، به نقد و بررسی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ و تحلیل سیاست‌های تقنینی در حمایت از کودکان بزه‌دیده همت گمارده و مراحل تعقیب و تحقیق از کودک‌آزاری، رسیدگی و اجرای احکام مربوط به کودک‌آزاری را از نظر گذرانده‌ایم.

## اقسام کودک‌آزاری

غفلت یکی از شایع‌ترین دلایل آزار کودکان است. غفلت یا مسامحه عبارت است از عدم فراهم آوردن احتیاجات اعم از غذا، پوشش، مسکن، امکانات آموزش و تحصیل و به طور کلی سرپرستی غیرمسئولانه و سوء مراقبت جسمی و روانی کودک توسط والدین یا سرپرست طفل (Falahati, 2014, P.2-3). گاه والدین یا افراد دیگر که به کودکان آزار می‌رسانند، نمی‌دانند که رفتار آن‌ها، کودک‌آزاری است. مانند کسانی که کودک را مورد تنبیه بدنی قرار می‌دهند، آن‌ها را تحقیر و توهین می‌کنند، به نیازهای اساسی آن‌ها بی‌توجه‌اند و این رفتارها را عادی و معمولی می‌دانند (Helfer, 1973, P.778-779 شهلا، ۱۳۹۰، ص ۵۸)<sup>۲</sup>. فقر سبب می‌شود کودکان از دسترسی به حقوق اساسی خود مانند آموزش، بهداشت و تغذیه محروم شوند یا والدین به دلیل فشارهای مالی با رفتارهایی چون پرخاشگری، خشونت و بی‌توجهی کودکان را مورد آزار قرار می‌دهند (شهلا، ۱۳۹۰، ص ۵۸؛ Walters, 1976, P.214; Cicchetti and Carlson, 1989, P.111-114). اعتیاد، بیماری‌های

---

۱- امام صادق علیه السلام در همین زمینه چنین می‌فرمایند: «لو ان رجلاً ضرب رجلاً سوطاً لضربه الله سوطاً من نار»؛ بدین معنا که اگر کسی دیگری را مورد ضرب و شتم قرار دهد، خداوند او را با تازیانه‌ای از آتش خواهد زد (حرعاملی، ۱۴۱۲ هـ.ج. ۱۹، ص ۱۲).

2- "We must recognize the total situation long before abuse occurs. The way this is done is to recognize the potential: how they were reared, how they used other people, how the marriage or the inter spouse relationship is working, and most important, how they see their child. What do they expect of their child? Are these expectations realistic?" Helfer, Vol. 51 No. 4 April 1, 1973, P. 777 -779

روانی سرپرست کودک، مشاجرات شدید و طولانی والدین، شیوه‌های تربیتی نامناسب و در برخی موارد وجود ناپدری و نامادری می‌توانند موجب سوء مراقبت از کودک، پرخاش‌گری، بی‌مسئولیتی و آزار و سوءاستفاده کودکان شود (جزایری، ۱۳۸۱، ص ۷۵-۷۷؛ Walters, 1976, p215; Cicchetti and Carlson, 1989, P.107-108 مدنی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۳-۱۹۰؛ Helfer, 1973, P.778-779). گاهی نیز شرایط ویژه کودکان، از قبیل پرخاش‌گری، بی‌قراری، بیش‌فعالی، اضطراب و شب‌اداری، به دلیل مشکلاتی که برای بزرگسالان ایجاد می‌کنند، آن‌ها را در معرض کودک‌آزاری قرار می‌دهد (شهلا، ۱۳۹۰، ص ۵۸-۵۹). بسیاری از مشکلات کودکان در بزرگسالی در حقیقت از عدم مراقبت صحیح آن‌ها نشأت می‌گیرد. آزار جسمی، جنسی و عاطفی کودکان که توان مراقبت و دفاع از خود را ندارند نتایج سوء بسیاری برای آن‌ها و در نهایت اجتماع برجا می‌گذارد. در این بخش اقسام کودک‌آزاری، یعنی کودک‌آزاری جسمی، جنسی و عاطفی را از نظر خواهیم گذراند.

### کودک‌آزاری جسمی

در تعریف کودک‌آزاری جسمی، همانند تعریف خود کودک‌آزاری، نظر واحدی وجود ندارد، مسائلی نظیر قوانین و مقررات حقوقی مربوط به بزه‌دیدگی اطفال، ارزش‌های فرهنگی خصوصاً در زمینه تربیت و تنبیه و معیارهای مقبول اجتماعی تأثیرگذارند (مدنی، ۱۳۸۳، ص ۷۸؛ Walters, 1976, P.91-99). بنا بر یکی از تعاریف، کودک‌آزاری جسمی عبارت است از حمله فیزیکی به کودک به گونه‌ای که موجب درد، بریدگی، کبودی، شکستگی استخوان و سایر جراحات و حتی مرگ کودک شود، مثل شلاق زدن، سوزاندن با آب جوش و مایعات داغ (مدنی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۳-۱۹۰).

بین سال‌های ۱۹۸۹م تا ۱۹۹۱م در بریتانیا، ۶۰٪ از ۲۸۵ مورد قتل عمدی زیر ۱۸ سال گزارش شده، توسط والدین اطفال صورت گرفته بود. آمارهای مشابه در آمریکا و استرالیا نیز گزارش شده است (Falahati, 2014, P.1-2). در حقیقت کودک‌آزاری جسمی بیشتر در کانون خانواده مشاهده می‌شود. برای تنبیه کودک، اشکال متعددی متصور است (Detlev Frehsee, 2007, P.110-114). مانند تظاهر به کم‌محبتی، سکوت، بی‌اعتنایی، نشان دادن خشم و عصبانیت. اگر هیچ یک از این اقدامات نتیجه نداد، ممکن است از تنبیه

بدنی به عنوان آخرین راه حل استفاده شود. برخی با تأدیبات بدنی یعنی کتک زدن موافقاند و برخی دیگر مطلقاً مخالفند (Gershoff, 2002, P.539; Straus, 2000, P.1109). کودکی که در برابر رفتار ناپسندش، کنترل نبیند. جامعه‌ای که در آن عقوبت و کیفر نباشد، لاقید، خودنما، بی‌شخصیت و فاسد خواهد شد (قائمی، ۱۳۶۴، ص ۳۱۸). تشویق و تنبیه هر دو لازم‌اند. تنبیه به منظور پرهیز کودک از رفتار نامطلوب اعمال می‌شود و پاداش باعث می‌شود تا رفتار مطلوب در کودک، تقویت شود. آنچه مهم است آن‌که برای تأمین تندرستی و رشد عاطفی و ذهنی کودک، پاداش و تنبیه هر دو باید توسط کودک درک و شناخته شود (مدنی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۳-۱۹۰). از آنجایی که همیشه به وسیله منطق، نمی‌توان کودک را وادار به اطاعت کرد، در مواردی تنبیه ضرورت پیدا می‌کند، اما به استناد این حق، نمی‌توان طفل را خارج از حدود تنبیه کرد (ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی). به‌طور کلی، تنبیه زمانی شایسته است که کودک از تجارب پیشین خود، فرصت یادگیری رفتار مطلوب را داشته باشد. متأسفانه به دلیل آن‌که بیشتر والدین و مربیان، در حال خشم، کودک را تنبیه می‌کنند، تنبیه ارزش خود را از دست می‌دهد. اگر کودک یاد نگیرد که رفتار غلط به طور اجتناب‌ناپذیری به تنبیه منجر می‌شود، قبل از انجام آن عمل درباره آن نمی‌اندیشد (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۲، ص ۲۰۰). تنبیه به اشکال مختلفی در جوامع و فرهنگ‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (Straus and Stewart, 1999, P.55). در اسلام برای کنترل و ارشاد افراد، صرفاً به موعظه و نصیحت و تشویق اکتفا نشده، منتهی دو نکته در این زمینه قابل توجه است: تنبیه باید متناسب با رفتار منحرفانه باشد و در تمام موارد و بدون هیچ تردیدی، تنبیهات تربیتی و ارشادی بر تنبیهات مادی و بدنی ارجحیت دارند (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶، ص ۱۷-۱۷).

این‌گونه تأدیبات فقط نسبت به کودکان ممیز قابل اجراست؛ زیرا کودکان غیرممیز درک کافی نسبت به رفتارهای خویش ندارند و تنبیه بدنی آن‌ها مجاز نیست (فیض، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۲۶۱). همچنان‌که تنبیه کودک توأم با قساوت، تصفیه حساب‌های قبلی و خالی کردن عقده یا به هر صورتی که از حد شایسته خارج شود، نامطلوب است و یکی از اسباب پرخاشگری در کودکان است (Deater-Deckard; Dodge; Bates; Pettit, 1996, P.1065). در فقه امامی از تأدیبات به کیفیتی که دیه بر آن تعلق گیرد، نهی شده است و چنان‌چه به آزار



مختصری مانند سرخ‌شدن بدن هم بینجامد، دیه تعلق گرفته است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶، ص ۱۷-۷؛ حرعاملی، ۱۴۱۲ هـ.ج ۳، ص ۱۳، ج ۱۹، ص ۲۹۵).

باید توجه داشت که تفاوت بسیاری بین تنبیه و کودک‌آزاری وجود دارد. در تنبیه، اصل بر آگاه ساختن است خواه به صورت تذکر و اخطار، خواه به صورت تنبیه خفیف بدنی. بدیهی است که در صورت اخیر، جنبه عدل و انصاف و رعایت حدود متعارف آن ضروری است. اما کودک‌آزاری یعنی بهره‌کشی، شکنجه، آزار جسمی، جنسی و عاطفی خارج از عدل و انصاف به گونه‌ای که شخصیت طفل منکوب شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶، ص ۱۷-۷). در مطالعه‌ای در آمریکا از بین ۶۷۹ دانشجوی سال اولی مجردی که مورد سؤال قرار گرفته بودند، تنبیه مختصر بدنی در میان ۹۳٫۲٪ آن‌ها تجربه شده بود و نکته جالب توجه این بود که این افراد جوان، تنبیه بدنی را مقبول می‌دانستند و ابراز داشته بودند که کاملاً قصد دارند نسبت به کودکان آینده خودشان نیز این قبیل تنبیهات مختصر را انجام دهند (Graziano, 1990, P.449).

ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی ایران، یکی از حقوقی که در زمینه تربیت اطفال برای والدین مقرر کرده، حق تنبیه طفل است: «ابوین حق تنبیه طفل را دارند، ولی با استناد به این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب، تنبیه نمایند». از آنجایی که مقنن نمی‌تواند حدود اختیارات پدر و مادر را به دقت معین سازد، ناچار از عرف کمک گرفته و انگیزه تأدیب را شرط لازم برای اباحه هرگونه تنبیه قرار داده است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۷۱۲؛ صفایی و امامی، ۱۳۷۶، ص ۳۵۲-۳۵۳). در کانادا نیز بخش ۴۳ قانون جزای این کشور به والدین طفل اجازه تنبیه بدنی کودکان ۲ تا ۱۲ سال را داده است (Bell and Romano, 2012, P.3-5).

در بند ۵ ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف، از مصادیق عدم مواظبت و انحطاط اخلاقی نام برده شده است که منجر به سلب حق حضانت پدر یا مادر خاطمی می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۴۰-۲۴۱؛ همو، ۱۳۸۶، ص ۷۰۸). البته مقررات مربوط به تربیت اطفال از جهت ضمانت اجرا قابل انتقاد است (زینالی، ۱۳۸۸، ص ۱۵). ضمانت اجرای تکلیف به تربیت کودکان، بیش‌تر جنبه اخلاقی دارد. برای مسامحه و غفلت والدین در خصوص تربیت کلی و عمومی، ضمانت اجرای مادی و حقوقی خاصی پیش‌بینی نشده است و در مورد تعلیمات خاص نظیر تحصیل و سوادآموزی اطفال و

تعلیمات اجباری آنان نیز با وجود پیش‌بینی جزای نقدی و مجازات حبس اجرای مجازات چندان جدی تلقی نشده است. حتی برای مسامحه والدین در فراهم ساختن زمینه آموزش حرفه‌وفن مقرراتی وجود ندارد (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۱۵).

### کودک‌آزاری جنسی

نامرئی‌ترین نوع آزار کودکان را می‌توان آزار جنسی دانست که به سبب طبیعت این رفتار شنیع، کم‌تر آشکار می‌شود و جزء رقم سیاه یا بخش تاریک بزه‌کاری علیه اطفال قرار می‌گیرد و عمدتاً از طریق کلینیک‌ها، بیمارستان‌ها، مراجع قضایی یا آژانس‌های مددکاری اجتماعی گزارش می‌شوند (Kercher and McShane, 1984, P.495). آنچه به عنوان آزار جنسی کودکان مطرح می‌شود، ممکن است توسط اعضای خانواده یا بیگانه انجام پذیرد (دریاآزرم، ۱۳۸۳، ص ۸۴-۸۷). کودک‌آزاری جنسی وقتی محقق می‌شود که رابطه جنسی بین طفل و یک یا چند بزرگسال یا بین دو طفل برقرار شود، به گونه‌ای که فاعل به طور قابل ملاحظه‌ای بزرگ‌تر از قربانی باشد یا موضع و موقعیت قوی‌تر و بالاتری نسبت به قربانی داشته باشد<sup>۱</sup> (Walters, 1976, P.99-103).

### کودک‌آزاری عاطفی

کودک‌آزاری عاطفی عبارت از هر نوع کوتاهی و سهل‌انگاری در رفتار اشخاصی است که به نحوی با سلامت روانی و عاطفی و همچنین اجتماعی‌کردن کودک سر و کار دارند. آزار و اذیت روانی می‌تواند واجد اثرات منفی روان‌پزشکی یا روان‌شناسی بیش از آزار و اذیت جسمی باشد (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵). سوء استفاده عاطفی یا روانی شامل هر گونه آزار شفاهی شامل توهین، انتقاد، تمسخر، تحقیر، تقاضای غیرمعقول از کودک و خارج از توان اوست (عباچی، ۱۳۸۵، ص ۶). ماده ۱۹ کنوانسیون نیز در این

1-"Child sexual abuse was defined as sexual interaction between a child and an adult or between two minors when the perpetrator is significantly older than the victim or is in a position of power over the victim." Kercher Glen A. and McShane, Volume 8, Issue 4, 1984, P.495

خصوص تمهیداتی اندیشیده است. به طور کلی، ناتوانی یا غافل ماندن والدین از توجه و رسیدگی به نیازهای هیجانی و عاطفی کودک مسامحه عاطفی نامیده می‌شود (جلیلی، ۱۳۷۴، ص ۱۴۲).

کودک‌آزاری عاطفی در اسلام حرام است و دلایل صریحی بر حرمت آن وجود دارد. از جمله آیه‌هایی که به این امر اشاره دارد می‌توان به آیه ۲۳۳ سوره مبارکه بقره اشاره کرد<sup>۱</sup>. بدین معنا که مادر، در اثر کدورت خاطری که با پدر فرزند دارد، فرزند خود را رها نکند به جهت این‌که مادر، شفقت بیشتری به کودک نسبت به سایر زنان دارد. همچنین پدر، نوزاد خود را به انگیزه‌های کینه‌توزانه از مادر نگیرد، زیرا به ضرر کودک است. در مجموع، آیه شریفه دلالت بر این معنی دارد که پدر و مادر نباید به فرزند خود، آزاری برسانند. درباره حرمت کودک‌آزاری، روایت‌های بسیاری وجود دارد. مثلاً رسول اکرم ﷺ به امام علی علیه السلام فرمودند: «لعن الهی بر والدینی باد که فرزند خویش را به عصیان و آزار خودشان وادارند و باعث قطع رابطه محبت شوند»<sup>۲</sup> (مجلسی، ۱۴۲۸ هـ.ج ۷، ص ۶۰؛ حر عاملی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۳۹۰؛ طبرسی، ۱۳۶۵، ص ۵۰۰؛ صدوق، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۳۷۲). همچنین در جای دیگر فرمودند: «فرزندان خود را احترام کنید و با آنان مؤدب برخورد نمایید» (طبرسی، ۱۳۶۰، ص ۲۷۸).

## قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در مبارزه با کودک‌آزاری

این بخش به بررسی مواد قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در رابطه با کودک‌آزاری اختصاص یافته است. کاستی‌هایی که در زمینه حمایت از کودکان آزرده و نیز پیشگیری از وقوع جرم کودک‌آزاری یا تکرار آن در قوانین ایران وجود دارد، با تأمل در این قانون نه ماده‌ای تا حدودی روشن می‌شود.

۱- «لا تضارُ والدةٌ بولدها و لا مؤلدةٌ له بولده» (بقره، ۲۳۳)

۲- «یا علی، لعن الله والدین حملاً ولدهما علی عقوقهما»

### حمایت از نوجوانان تا ۱۸ سال تمام شمسی

بنا بر ماده ۱ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان: «کلیه اشخاصی که به سن ۱۸ سال تمام هجری شمسی نرسیده‌اند، از حمایت‌های قانونی مذکور در این قانون بهره‌مند می‌شود». قانونگذار به تأسی از ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک (مصوب ۱۹۸۹) که معیار شناخت کودک را سن ۱۸ سال قرار داده است، دامنه حمایت کیفری را شامل افراد زیر ۱۸ سال قرار داده و مقرر کرده است که هر فرد از بدو تولد تا رسیدن به سن ۱۸ سال تمام، مشمول مقررات این قانون می‌شود. محدوده حمایتی از نوجوانان در این قانون وسیع‌تر از ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی است که سن بلوغ (یعنی ۹ سال قمری در دختران و ۱۵ سال قمری در پسران ۱۵) را ملاک قرار داده است. همچنین هجری شمسی به جای هجری قمری در تعیین سن حمایتی این قانون استفاده شده است که از ابتکارات قانونگذار به حساب می‌آید.

### ممنوعیت هر نوع کودک آزاری

ماده ۲ این قانون مقرر داشته است: «هر نوع انیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب می‌شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد ممنوع است». ماده فوق الذکر، علی‌رغم اعلام ممنوعیت برخی از اقسام کودک‌آزاری، به دلیل عدم پیش‌بینی ضمانت اجرای لازم برای کودک‌آزاری، از نقطه نظر جزایی فاقد ارزش استناد برای تعیین مجازات است.

### اقسام کودک‌آزاری و ارائه ضمانت اجرایی برای مبارزه با کودک‌آزاری

با توجه به ماده ۳-۴ این قانون<sup>۱</sup>، ضمانت اجرای کودک‌آزاری در این موارد پیش‌بینی شده است. بر اساس این دو ماده، اقسام کودک‌آزاری که از نظر مقنن جرم و قابل مجازات می‌باشد عبارتند از:

۱- ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان می‌گوید: «هر گونه صدمه و آزار و انیت و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل کودکان، ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه و یا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد».

- ۱- کودک‌آزاری اقتصادی ناشی از هرگونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، تکدی، فروش مواد مخدر و غیره؛
- ۲- کودک‌آزاری جسمی؛
- ۳- کودک‌آزاری روحی؛
- ۴- کودک‌آزاری ناشی از نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی؛
- ۵- کودک‌آزاری ناشی از ممانعت از تحصیل.

پیش‌بینی کودک‌آزاری در اشکال فوق تا حدودی مبتنی بر معیارهای سازمان بهداشت جهانی می‌باشد، اما تذکر نکات ذیل خالی از لطف نخواهد بود:

الف - کودک‌آزاری جنسی علی‌رغم شیوع آن، متأسفانه به صراحت از سوی مقنن پیش‌بینی نشده است، مگر آن‌که کودک‌آزاری جنسی با هدف اقتصادی صورت بگیرد که در این صورت از مصادیق ماده ۳ به حساب می‌آید یا کودک‌آزاری جنسی موجب صدمه جسمی یا روانی کودک بشود که در این صورت از مصادیق کودک‌آزاری جسمی و روانی موضوع ماده ۴ خواهد بود. شایسته بود که مقنن به صراحت و در جهت تطبیق با معیارهای بین‌المللی، کودک‌آزاری جنسی را نیز در متن ماده ۳ لحاظ می‌کرد.

ب - استعمال کلمه شکنجه در ماده ۴، با عنایت به معنا و مفهوم حقوقی آن، که به آزار و آسیب جسمانی مورد اعمال از سوی مأموران دولتی نسبت به اشخاص عادی اطلاق می‌گردد، چندان درست نیست. لذا این اصطلاح را باید در معنای عرفی آن «اذیت و آزار» استفاده کرد نه در معنا و مفهوم حقوقی.

ج - کودک‌آزاری غیرعمدی مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته و تنها نادیده انگاشتن سلامت و بهداشت روانی و جسمی به شرط عمدی بودن، جرم و قابل مجازات است. عدم‌شناسایی کودک‌آزاری غیرعمدی از ناحیه قانونگذار بر خلاف معیارهای جهانی و سازمان بهداشت جهانی است.

د- کودک‌آزاری ناشی از ممانعت از تحصیل تنها می‌تواند نمونه‌ای از کودک‌آزاری به حساب آید، لذا سایر مصادیق این نوع کودک‌آزاری مشمول این قانون نمی‌باشد. اگرچه منظور مقنن در رابطه با ممانعت از تحصیل تا حدودی مبهم است، لکن به نظر می‌رسد

منظور، هم ممانعت از شروع به تحصیل و هم ممانعت از ادامه آن باشد.

هـ - مجازات مقرر در ماده ۴ یعنی سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی که تنها یکی از آنها در مورد مجرم قابل اعمال است، واجد دو ایراد اساسی است:

اولاً- با توجه به اینکه این مجازات برای هر نوع صدمه و آزار جسمی و روانی پیش‌بینی شده، ممکن است بین آزار وارد شده به کودک و مجازات تعیینی از سوی محاکم تناسبی نباشد، بدین معنا که ممکن است برای آزار بسیار شدید، دادگاه تنها مجازات جزای نقدی ناچیزی را در نظر بگیرد؛ ثانیاً- اختیار محکمه در تعیین جزای نقدی آن هم از یک ریال مغایر با فلسفه ایجاد قانون حمایت از کودکان و نوجوانان است. شایسته بود قانونگذار حداقل مجازات نقدی را مانند مجازات حبس پیش‌بینی می‌کرد، امری که در ماده ۳ لحاظ شده است.

و- مجازات کودک‌آزاری اقتصادی ناشی از هر گونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، فروش مواد مخدر و نسبت به سایر موارد شدیدتر و سنگین‌تر است. شاید دلیل اصلی این رویکرد قانونی، ازدیاد این نوع کودک‌آزاری در جامعه و نتایج سوء آن نسبت به سایر مصادیق کودک‌آزاری باشد.

در ماده ۸ این قانون آمده است: «اگر جرایم موضوع این قانون، مشمول عناوین دیگر قانونی شود یا در قوانین دیگر حد یا مجازات سنگین‌تری برای آنها مقرر شده باشد حسب مورد حد شرعی یا مجازات اشد اعمال خواهد شد». ممکن است مجازات پیش‌بینی شده در این قانون، در قوانین جزایی دیگر به عنوان جرم مورد پیش‌بینی قرار گرفته باشد که در این صورت دو حالت قابل تصور است، در حالت اول ممکن است که یکی از جرایم موضوع این ماده، مشمول مجازات حدی باشد که طبق قانون باید همان مجازات حدی بر مرتکب کودک‌آزاری بار شود. برای مثال برقراری رابطه جنسی منتج به صدمه جسمی یا روانی از مصادیق کودک‌آزاری جسمی یا روانی و مصداق جرم ماده ۴ این قانون است، در عین حال به عنوان جرم حدی زنا قابل مجازات است. در چنین حالتی فقط مجازات حد زنا بر مرتکب بار می‌شود.

حکم ماده ۸ قانون و تجویز مجازات «حد» برای مرتکب، با روال قانونگذار در سایر قوانین تطابق ندارد. در قوانین جزایی دیگر، در صورتی که عمل مرتکب، مشمول جرم حدی باشد، حکم مقنن بر جمع مجازات است نه اعمال یک مجازات. مثلاً در ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی حبس از یک تا ده سال به عنوان مجازات مقرر گردیده است و در مورد بند «الف» از این قانون علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوط به طور موقت، با نظر دادگاه بسته خواهد شد.<sup>۱</sup>

در حالت دوم ممکن است کودک‌آزاری در قوانین دیگر مشمول عنوان مجرمانه دیگر و مجازات سنگین‌تر باشد. برای مثال ممکن است کودک‌آزاری جسمی منتهی به فوت کودک شود که در این صورت با تحقق شرایط قانونی، عمل کودک‌آزاری تبدیل به جرم قتل عمدی خواهد شد و مستوجب مجازات قصاص خواهد بود.

#### احصاء کودک‌آزاری از جرائم عمومی

ماده ۵ این قانون مقرر داشته است: «کودک آزاری از جرایم عمومی بوده و احتیاج به شکایات شاکی خصوصی ندارد»؛ زیرا ممکن است شاکی و زیان‌دیده این جرم، کودک نابالغ یا نوجوانان کم‌سن و سال و ناتوان و تحت سلطه و اختیار شخص متعددی باشد. قانونگذار با پیش‌بینی این ماده گام مثبتی در جهت حمایت از کودکان و نوجوانان برداشته است. بنابراین هر کسی می‌تواند بلافاصله پس از اطلاع و مشاهده کودک‌آزاری، به عنوان مطلع از وقوع جرم، مراتب را به دادستان عمومی محل وقوع جرم اطلاع دهد که در این صورت دادستان، مکلف به پی‌گیری قضایی موضوع و درخواست مجازات برای متخلف خواهد بود. بدین ترتیب، در خصوص این جرم، حتی اگر شاکی خصوصی هم اعلام رضایت و گذشت نماید، باز تأثیری در ادامه رسیدگی و صدور حکم مجازات نخواهد داشت، مگر این‌که اعلام گذشت از موجبات تخفیف مجازات قلمداد شود. در بررسی و

۱- الف: کسی که مرکز فساد و یا فحشا دایر و یا اداره کند؛ ب - کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق کرده یا موجبات آن را فراهم کند. تبصره، هر گاه بر عمل فوق عنوان قوادی صدق کند، علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادی نیز محکوم می‌گردد (حکم بر جمع مجازات).

تحقیق از کودکان آزاردیده باید از افراد متخصص در زمینه علوم روان‌شناختی استفاده نمود؛ زیرا بسیاری از کودکان آزاردیده به خاطر ترس از عواقب بیان حقایق و محروم‌شدن از حمایت خانواده در بازجویی‌ها به انکار متوسل می‌شوند (پورناجی، ۱۳۷۸، ص ۱۵). همچنین از آن‌جا که اطفال وضعیت و موقعیت خاص آسیب‌پذیری دارند، ممکن است در نتیجه حضور در محکمه در مرحله سؤالات متقابل و مواجهه با متهم و نیز یادآوری خاطرات گذشته، در معرض آسیب‌های روانی و عاطفی قرار بگیرند. لذا باید حتی‌الامکان از تماس او با دستگاه قضایی جلوگیری کرد.

رسیدگی خارج از نوبت یکی دیگر از ویژگی‌های این جرایم است؛ زیرا هر گونه تأخیر در رسیدگی و طولانی‌شدن فرآیند کیفری می‌تواند آثار و تبعات مخربی بر اطفال داشته باشد. در مرحله صدور حکم نیز بایستی منافع عالیه اطفال مدنظر قرار گیرد و تعیین مجازات‌ها می‌بایست بر اساس کودک‌محوری صورت پذیرد. متأسفانه حقوق جزای ایران در زمینه مقرر نمودن حمایت‌های خاص از اطفال در این مرحله نیز با خلأهای بسیاری مواجه است (همان‌جا).

در مرحله اجرای تصمیمات قضایی نیز باید جبران خسارات مادی، روانی و عاطفی اطفال بزه‌دیده مد نظر قرار گیرد و از دیگر سو، نهادهای دولتی و غیردولتی باید درصدد ترمیم خسارات مادی و روانی وارده به اطفال آزاردیده باشند؛ زیرا این کودکان ممکن است دوباره در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار گیرند (بخشایش و کاشفی اسماعیل‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۳۱). لازم است قانونگذار از طریق مقرر نمودن سازوکارهایی در راستای جلوگیری از بزه‌دیدگی مجدد اطفال یا کاستن از آن حرکت نماید (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶، ص ۱۱؛ زینالی، ۱۳۸۲، ص ۵۹). متأسفانه در ایران موضوع حمایت از اطفال بزه‌دیده در مرحله بعد از وقوع جرم و بعد از ورود آن‌ها به فرآیند کیفری چه در سطح تقنینی و چه در بُعد تنبیهی بسیار مغفول مانده است. در مرحله رسیدگی و صدور حکم باید از تماس مستقیم کودکان آزاردیده با دستگاه قضایی ممانعت به عمل آورد و می‌توان در این مورد از روش ضبط اظهارات کودکان یا دوربین‌های مداربسته استفاده کرد و از آسیب‌پذیری روحی و روانی اطفال اجتناب نمود (نجفی ابرندآبادی و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۱۱-۴؛ مهر، ۱۳۸۴، ص ۲۷۲-۲۸۵).



### مسئولیت افراد و مؤسسات مرتبط با نگهداری اطفال در قبال کودک‌آزاری

ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان می‌گوید: «کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسئولیت نگهداری و سرپرستی کودکان را برعهده دارند، مکلفند به محض مشاهده کودک‌آزاری مراتب را جهت پی‌گیری قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضائی اعلام کنند. تخلف از این تکلیف موجب حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون ریال خواهد بود».

بر خلاف اشخاص عادی که تکلیفی در ارتباط با گزارش موارد کودک‌آزاری ندارند، کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسئولیت نگهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند (مانند مراکز بهزیستی و مهد کودک‌ها)، مکلفاند در صورت رؤیت کودک‌آزاری، آنرا جهت پیگرد قانونی به مراجع قضایی صالحه اعلام کنند. خودداری از این امر (ترک فعل)، موجب مجازات حبس یا جزای نقدی به شرح ماده ۶ خواهد بود. بهتر بود قانونگذار این تکلیف را به والدین کودکان و نیز مراکز و مؤسساتی که وظیفه نظارتی در جهت حمایت از حقوق کودکان دارند نیز سرایت می‌داد.

### رویکرد این قانون در قبال تنبیه

در ماده ۷ این قانون آمده است: «اقدامات تربیتی در چارچوب ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی (مصوب ۱۳۱۴) از شمول این قانون مستثنی است». منظور از «اقدامات تربیتی» در این ماده، تنبیه بدنی یا روانی متعارف والدین و سرپرستان قانونی در جهت تربیت کودکان است.

بر اساس ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰)، اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تأدیب یا حفاظت از آنها انجام شود، جرم محسوب نمی‌شوند، مشروط به این‌که اقدامات مذکور در حد متعارف تأدیب و محافظت باشد. در اصلاحات سال ۱۳۹۲ قانون مجازات اسلامی این ماده با مختصر تغییراتی در بند ت ماده ۱۵۸ منعکس شده است.

مطابق ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی: «ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند، ولی به استناد به

این حق نمی‌توانند طفل را خارج از حدود متعارف تأدیب، تنبیه نمایند». یکی از مشکلات اساسی مبارزه با کودک‌آزاری، همین ابهام قانونی مربوط به مفهوم «حدود متعارف تنبیه و تأدیب» است. این‌که کدام تنبیه متعارف و کدام نامتعارف است و اشتباه والدین و اولیای قانونی در فهم و تشخیص معنای «حدود متعارف» از نقطه‌نظر پیش‌گیری از جرم و پیگیری قضایی و مجازات مجرمان، معضلات عدیده‌ای را می‌تواند ایجاد نماید. ممکن است اعتقاد واقعی والدین در اجرای یک تنبیه بدنی بر این باشد که چنین تنبیهی، عین متعارف و جزء حقوق اولیه والدین در نگهداری اطفال خودشان است به همان نحوی که والدین آن‌ها نیز چنین روندی را در تربیت ایشان اتخاذ کرده‌اند. این امر از یک طرف مجازات این افراد را با چالشی جدی مواجه می‌کند و از طرفی دیگر از نقطه‌نظر پیش‌گیری عمومی، تغییر این طرز تفکر گاه مشکل و حتی بعید جلوه می‌نماید.

### یافته‌های پژوهش

آنچه مسلم است کودک‌آزاری در اسلام حرام است و دلایل صریحی بر حرمت آن وجود دارد. امروزه کوشش‌ها و حمایت‌های قانونی از کودکان کم نیست. حتی رویکرد قانونگذار ایرانی از جهاتی امتیازات بیش‌تری نسبت به کنوانسیون حقوق کودک دارد (مانند در نظر گرفتن نقطه تکوین به عنوان مبدأ کودکی). این حمایت‌ها از مرحله پیش‌گیری آغاز می‌شود که از اصول اصیل اسلامی و قانون اساسی قابل استنتاج است. پیش‌گیری ثانویه از بزه‌دیدگی کودکان نیز در قانون مورد توجه قرار گرفته که به موارد متعددی از آن اشاره شد. قانون جدید مجازات (مصوب ۱۳۹۲) طی مواد ۸۸ تا ۹۵ به بحث مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان پرداخته است که در نوع خود حرکتی مثبت به نظر می‌رسد. با وجود این، ارائه نکاتی چند ضروری به نظر می‌رسد:

۱- در خصوص موارد سلب حضانت از پدر یا مادر در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، جهت تکمیل و گسترده کردن متن قانون پیشنهاد می‌شود در بند «ه» آن ماده که در مورد تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف است، عبارت «هرگونه آزار جسمی یا روحی طفل» نیز اضافه شود تا جلوی هرگونه کودک‌آزاری عاطفی و روانی گرفته

شود. همچنین لازم است که مفهوم «حدود متعارف تنبیه و تأدیبه»، به نحو مقتضی و در اسرع وقت تبیین و تشریح شود.

۲- بر اساس ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی، والدین نباید در امر تربیت کودکان خود اهمال کنند. قانونگذار برای پدر یا مادری که به تکلیف خود عمل نکرده‌اند و آن را مهمل گذارده‌اند، ضمانت‌اجرایی تعیین نکرده است. لذا شایسته است این نقص نیز در اسرع وقت مرتفع گردد.

۳- ماده ۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان علی‌رغم اعلام ممنوعیت برخی از اقسام کودک‌آزاری، به دلیل عدم پیش‌بینی ضمانت‌اجرا برای این قسم از کودک‌آزاری‌ها، از نقطه‌نظر جزایی فاقد ارزش استناد برای تعیین مجازات کودک‌آزاری است.

۴- ایجاد دفتر حمایت قانونی قضایی از کودکان در مراجع قضایی با اختیارات لازم و مقتضی جهت دفاع از کودکان آزاردیده ضروری است. همچنین آمارگیری، کنترل و نظارت مستمر بر کودکان در معرض خطر از جمله کودکان خیابانی، کودکان خانواده‌های از هم گسیخته و نابهنجار باید مورد توجه قرار گیرد.

۵- برای توقف یا تقلیل این معضل باید با عوامل ایجادکننده آن که عمدتاً فقر فرهنگی است، مبارزه کرد. از این رو، آموزش مستمر و فرهنگ‌سازی خانواده‌ها و سالم‌سازی محیط‌های اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد. در این زمینه استمداد از تعالیم دینی و اخلاقی در مورد نحوه تعامل با کودک از مؤثرترین ابزارهای فرهنگی تلقی می‌شود.

۶- کودکان به علت عدم توانایی دفاع از حقوق خود به پوشش قوای عمومی بیشتری نسبت به بزرگسالان نیاز دارند.

۷- دولت ایران به کنوانسیون حقوق کودک و اصلاحیه آن ملحق شده است، اما با توجه به این‌که شرط الحاق را امکان بی‌اثر پنداشتن موادی از کنوانسیون قرار داده است، ناچار قسمتهایی از این کنوانسیون در معرض نفی خواهد بود و اشکال مهم این است که در بسیاری از موارد حکم قضیه و تعاریف و مسائلی نظیر آن‌که مقولاتی آغازین و ابتدایی است - محل مناقشه هستند.

۸- قانون مصوب سال ۱۳۸۱ تا حد زیادی خلاء قانونی را پر کرده است و اگر مراجع

قضایی در اعمال ضوابط موجود جدی باشند و با ثبات عمل اقدام کنند، شاید با مشکل زیادی مواجه نباشیم.

۹- متأسفانه در ایران موضوع حمایت از اطفال بزه‌دیده در مرحله بعد از وقوع جرم و بعد از ورود آنها به فرآیند کیفری چه در سطح تقنینی و چه در بعد تحقیقاتی بسیار مغفول و مهجور مانده است. لذا پیشنهاد می‌شود تحقیقات بیشتری در این باره انجام شود.

## منابع و مأخذ

### منابع فارسی

- ❖ قرآن کریم
- ❖ آبروشن، هوشنگ (۱۳۸۴)، *کودک‌آزاری و کنوانسیون حقوق کودک*، تهران، انتشارات آریان، چاپ اول
- ❖ ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی (۱۴۲۲هـ)، *من لایحضره الفقیه*، قم، مطبعه الوفاء، چاپ چهارم
- ❖ آقابیگولی، عباس، رسول‌زاده طباطبایی، سید کاظم، موسوی چک، حسن (۱۳۸۰)، *کودک‌آزاری*، تهران، انتشارات آوند دانش، چاپ اول
- ❖ امامی، سید حسن (۱۳۵۲)، *حقوق مدنی*، تهران، انتشارات کتاب‌فروشی اسلامیة، چاپ چهارم
- ❖ بخشایش، سید رضا و کاشفی اسماعیل‌زاده، حسن (۱۳۷۹)، «*کودکان خیابانی قربانیان بی‌پناه خشونت دستگاه عدالت کیفری*»، مجله امنیت، دفتر مطالعات و تحقیقات امنیتی وزارت کشور، شماره ۱۱ و ۱۲، خرداد و تیر
- ❖ پورناجی، بنفشه، مرگ خاموش (۱۳۷۸)، *نگاهی به پدیده کودک‌آزاری*، تهران، انتشارات همشهری، چاپ اول
- ❖ جزایری، علی‌رضا (۱۳۸۱)، «*اعتیاد والدین و کودک‌آزاری*»، نشریه علوم اجتماعی، اعتیاد پژوهی، ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری، دوره ۱، شماره ۱، پاییز
- ❖ جلیلی، بهروز (۱۳۷۴)، *آیا زمان مرگ فرا نرسیده است؟*، ششمین همایش بیماری‌های کودکان، تهران
- ❖ حر عاملی، محمدبن حسن (۱۳۷۹)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، تصحیح و تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران، مکتبه اسلامیة، چاپ هفتم
- ❖ \_\_\_\_\_ (۱۴۱۲هـ)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ ششم

- ❖ دریاآرزم، نازنین (۱۳۸۳)، *بررسی تطبیقی کودک‌آزاری در محیط خانواده در حقوق ایران و آمریکا*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
- ❖ زرگوش نسب، عبدالجبار (۱۳۸۹)، «*بررسی حقوق جنین و مجازات سقط آن از دیدگاه اسلام*»، نشریه علوم اجتماعی، فرهنگ ایلام، اداره کل فرهنگ و ارشاد استان ایلام، شماره ۲۶ و ۲۷، بهار و تابستان
- ❖ زینالی، امیرحمزه (۱۳۸۸)، «*حقوق والدینی و حمایت کیفری از کودکان در برابر بزه‌دیدگی*»، نشریه فقه و حقوق خانواده، دانشگاه امام صادق علیه السلام پردیس خاوران، دوره ۱۴، شماره ۵۱، پاییز و زمستان
- ❖ — (۱۳۸۲)، «*نوآوری‌های قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و چالش‌های فراروی آن*»، نشریه رفاه اجتماعی، گروه پژوهشی رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، شماره ۷، بهار
- ❖ شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۲)، *بزه‌کاری اطفال و نوجوانان*، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول
- ❖ شهلا، رضا (۱۳۹۰)، «*بررسی پدیده کودک‌آزاری، علل و عوامل*»، مجله رشد مشاور مدرسه، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش وزارت آموزش و پرورش، شماره ۲۵، پاییز
- ❖ شهید اول، جمال‌الدین محمد (۱۳۸۲)، *اللمعه الدمشقیه*، قم، انتشارات دارالفکر، چاپ بیست و یکم
- ❖ شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۳۸۳)، *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*، قم، نشر مهر، چاپ هفتم
- ❖ صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله (۱۳۷۶)، *حقوق خانواده*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول
- ❖ صفایی، سید حسین و قاسم‌زاده، مرتضی (۱۳۸۲)، *حقوق مدنی، اشخاص و محجورین*، تهران، انتشارات سمت، چاپ نهم

- ❖ طاهری، عزیزالله و قنبری کرمانشاهی، ثریا (۱۳۸۹)، «بررسی جرم کودک‌آزاری از دیدگاه قانون مجازات اسلامی و فقه امامیه»، پژوهش‌های فقهی، قم، پردیس قم دانشگاه تهران، سال ششم، شماره هشتم، پاییز و زمستان
- ❖ طبرسی، رضی‌الدین (۱۳۶۵)، *مکارم‌الاخلاق*، ترجمه سیدابراهیم میرباقری، تهران، نشر فراهانی، چاپ اول
- ❖ طبرسی، حسن نوری (۱۳۶۰)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ سوم
- ❖ عباچی، مریم (۱۳۸۵)، «کودک‌آزاری»، خبرنامه انجمن ایرانی حقوق جزا، انجمن ایرانی حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۴، بهار و تابستان
- ❖ فهرستی، زهرا و نظری خاکشور، گلرخ (۱۳۸۷)، «بررسی پدیده کودک‌آزاری از ابعاد حقوقی و ضرورت بازنگری آن»، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، سال چهارم، شماره پانزدهم، بهار
- ❖ فیض، علی‌رضا (۱۳۶۸)، *ترجمه لمعه*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸، چاپ دوم
- ❖ قائمی، علی (۱۳۶۴)، *خانواده و تربیت کودک*، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۴، چاپ اول
- ❖ کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*، تهران، نشر میزان، چاپ شانزدهم
- ❖ \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸)، *حقوق خانواده*، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم
- ❖ کاهانی، علی‌رضا (۱۳۷۵)، «کودک‌آزاری جسمی و عمومی»، تهران، مجله پزشکی قانونی، سازمان پزشکی قانونی کشور، شماره ۱۰
- ❖ مجلسی، محمدباقر (۱۴۲۸هـ-)، *بحار الانوار*، قم، مؤسسه الوفا، چاپ چهارم
- ❖ محمدی آرانی، خدیجه (۱۳۸۴)، *حمایت از اطفال بزه‌دیده در سیاست جنایی تقنینی جدید ایران و اسناد سازمان ملل*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید قم

- ❖ مدنی، سعید (۱۳۸۳)، *کودک‌آزاری در ایران*، تهران، نشر اکنون، چاپ اول
- ❖ مهرا، نسرين (۱۳۸۲)، «بررسی روند آزار کودکان در ایران بر اساس برخی پایه‌های علت شناختی آن»، نشریه رفاه اجتماعی، شماره ۷، بهار
- ❖ \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴)، «حمایت‌های حقوقی - کیفری از اطفال در برابر بزهکاری در حقوق ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، یادواره دکتر مهدی شهیدی، پاییز و زمستان
- ❖ \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، *قوانین و مقررات کیفری ایران در قبال اطفال و نوجوانان بزه‌کار: حال و آینده، الهیات و حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲۰، تابستان*
- ❖ موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۶)، «کودک‌آزاری»، نشریه حقوق و علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳، تابستان
- ❖ نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۶)، «بزه‌دیدگی اطفال»، ماهنامه قضاوت، دادگستری استان تهران، شماره ۴۵
- ❖ نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ اردبیلی، محمد علی و ایزدپناه، عبدالرضا (۱۳۸۳)، «حمایت کیفری از اطفال بزه‌دیده در نظام حقوقی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۶، (میزگرد)، بهار
- ❖ نوایی‌نژاد، شکوه (۱۳۷۲)، *سه گفتار درباره راهنمایی و تربیت فرزندان*، تهران، نشر اولیاء و مربیان، چاپ اول

### منابع انگلیسی

- ❖ Arya, Shayan and Boms, Nir. *State Sponsored Child Abuse in Iran, Iran's violations of the United Nations Convention on the Rights of the Child*, Institute for Monitoring Peace and Cultural Tolerance in School Education, Available at: [http://www.impact-e.org/docs/articles/State\\_Sponsored\\_Child\\_Abuse\\_in\\_Iran%207.11.07.pdf](http://www.impact-e.org/docs/articles/State_Sponsored_Child_Abuse_in_Iran%207.11.07.pdf), (last visited Aug. 5, 2013)
- ❖ Bell, Tessa, and Elisa Romano. *Opinions about child corporal*



- ❖ Cicchetti, Dante and Carlson, Vicki (Ed.). *Child maltreatment. theory and research on the causes and consequences of child abuse and neglect*, Second Ed., England: Cambridge University Press, 1989
- ❖ *Convention on the Rights of the Child*, adopted by the UN, Thirs Ed., New York: 1989
- ❖ Deater-Deckard, Kirby; Dodge, Kenneth A.; Bates, John E.; Pettit, Gregory S. *Physical discipline among African American and European American mothers. Links to children's externalizing behaviors*, *Developmental Psychology*, Vol 32(6), Nov 1996, 1065-1072. doi. 10.1037/0012-1649.32.6.1065
- ❖ *Declaration of the Rights of the Child*, adopted by the UN, First Ed., New York: 1959
- ❖ Falahati, Maryam. Violence against children, Child abuse, Available at: [http://www.law.yale.edu/rcw/rcw/jurisdictions/assc/iranislamicrepof/iran\\_violence.htm](http://www.law.yale.edu/rcw/rcw/jurisdictions/assc/iranislamicrepof/iran_violence.htm) (last visited Feb. 5, 2014)
- ❖ Frehsee, Detlev, Wiebke Horn, and Kai-D. Bussmann, eds. *Family violence against children: a challenge for society*. Vol. 19. Walter de Gruyter, 1996.
- ❖ *Geneva Declaration of the Rights of the Child, adopted by the League of Nations*, First Ed., Swiss: Geneva, 1924
- ❖ Gershoff, Elizabeth Thompson, *Corporal punishment by parents and associated child behaviors and experiences. A meta-analytic and theoretical review*, *Psychological Bulletin*, Vol 128(4), Jul 2002, 539-579. doi. 10.1037/0033-2909.128.4.539
- ❖ Gil, D. G. (1975). Unraveling child abuse. *American Journal of Orthopsychiatry*, 45(3), 346-356
- ❖ Giovannoni, Jeanne M., and Rosina M. Becerra, *Defining child abuse*, Forth Ed., U.S.A, New York: 1979
- ❖ Graziano, Anthony M. *Parental Use of Physical Force in Child Discipline*; A Survey of 679 College Students, *Journal of Interpersonal Violence*, December 1990, vol. 5 no. 4 449-463, doi. 10.1177/088626090005004002

- ❖ Helfer Ray M., *The etiology of child abuse*, Pediatrics Vol. 51 No. 4 April 1, 1973, pp. 777 -779.
- ❖ International Year of the Child, 1979
- ❖ Kercher Glen A. and McShane Marilyn, *The prevalence of child sexual abuse victimization in an adult sample of Texas residents*, *Child Abuse & Neglect*, Volume 8, Issue 4, 1984, Pp 495-501.
- ❖ Korbin Jill E.(Ed.) et al., *Child Abuse and Neglect. Cross-Cultural Perspectives*, University of California Press, 1983
- ❖ *punishment and influencing factors. Journal of interpersonal violence* 27, no. 11, 2208-2229, 2012
- ❖ Straus Murray A, *Corporal punishment and primary prevention of physical abuse*, *Child Abuse & Neglect*, Volume 24, Issue 9, September 2000, Pp 1109-1114, [http://dx.doi.org/10.1016/S0145-2134\(00\)00180-0](http://dx.doi.org/10.1016/S0145-2134(00)00180-0)
- ❖ Straus, Murray A. , Stewart, Julie H. *Corporal Punishment by American Parents. National Data on Prevalence, Chronicity, Severity, and Duration, in Relation to Child and Family Characteristics*, *Clinical Child and Family Psychology Review*, June 1999, Volume 2, Issue 2, P.55-70
- ❖ *Universal Declaration of Human Rights*, adopted by the UN, First Ed., U.S.A, New York: 1948
- ❖ Vafai, G.H. *Children's Rights*. Iran, August 2007, Available at. <http://www.loc.gov/law/help/child-rights/iran.php#t2> (last visited Aug. 5, 2013)
- ❖ Walters DR, *Physical and sexual abuse of children. Causes and treatment*, First Ed., U.S.A, Indiana University Press, 1976

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.